

که من می بینم این است که سیستم سیاسی ایران به این نتیجه رسیده که باید تغییر ریل دهد. تغییر ریل نه اینکه اصلاح طلب شود. من اصلاً چنین انتظاری ندارم. تغییر ریل به سمت یک تفاهم جمعی که اصلاح طلبان بتوانند باشند و برگردند.

**«شما فکر نمی کنید برای رسیدن به جمع بندی، فقط تحلیل کفایت نمی کند و مایک قرائن مشهودتری می خواهید؟**
چرا. این را توضیح می دهم. اولاً چه چیزی مشهودتر از اینکه چنین لیستی بیرون می آید و همه تعجب می کنند. یکی از عوامل این است که آقای پزشکیان جزء لیست اصلاح طلبان بوده و تأیید شده است.
**«جز همین یکی که آن هم در واقع تغییر شما از یک تصمیم است، چه نشانه‌های روشن دیگری وجود دارد؟ من رصد و دقت کردم اما قریبۀ نه‌حکمی از آمادگی برای تغییر و تحول ندیدم.**

نشانه آشکارش همین جریان است ولی بگذارید من حرف شما را موقتاً تأیید کنم. ما نشانه‌های قدرتمندی برای تأیید همه ادعاهای خود نداریم. حتی فرض کنیم که هیچ اطمینان و قطعیتی برای تصمیم‌گیری نداشته باشیم و اصلاً حرف شما درست باشد. آیا این احتمال را می دهید که این سمت حرف و تحلیل شما درست باشد؟ شما هم که نشانه‌قطععی ندارید. آیا این احتمال را می‌دهید که تحلیل من هم درست باشد که مثلاً سیستم چنین تصمیمی گرفته باشد...
**«براساس اصل نسبیست که هر چیزی ممکن است و هیچ چیز فایز نفی نیست.**

الان تعداد قابل توجهی به این نسبیست حساسیت پیدا کرده‌اند. به اینجا می‌رسم که این عمل و تحلیل من، تحلیل کم‌هزینه‌ای برای کنش‌گری سیاسی و مردم است. بر فرض اینکه این غلط باشد، چیزی را از دست نداده است درحالی‌که اگر تحلیل مقابل درست باشد، هشت سال ما را می‌خواهد در بند امثال جلیلی بیاندازد.

**«می‌توانیم برعکس این هم تلقی کنیم. اگر سیستم به این نتیجه رسیده باشد که در یکسری سیاست‌ها تجدیدنظر کند، چرا باید اجازه دهد جلیلی بیاید و اگر هم به فرض چاره‌ای جز تأیید صلاحیت او نبوده در صورت پیروزی اش در انتخابات اجازه نخواهد داد که هر کاری بکند. اتفاقاً چیزی که پرهزینه است، این است که قرار به تغییر ملموس نباشد و شما دوباره یک فردی را با فشار افکار عمومی و کمپین انتخاباتی در پاستور بنشانید و او از همان فرادیش فلج و ناکارآمد شود. خوب هم تمام مسئولیت‌های ناشی از ناکارآمدی او روی دوش شما و مشوقان به رأی داده به او می‌افتد و هم اعتبار مختصری که داشت احیا می‌شد به کلی از بین می‌رود و هم بحث اصلاحات به عنوان چشم‌انداز آینده برای همیشه ممکن است کور شود و در عین حال امور جامعه دچار یک بی‌ثباتی و ناکارآمدی شود. در واقع من فکر می‌کنم این معادله می‌تواند برعکس باشد. آقای جلیلی هم که به نظر نمی‌رسد رأی آور باشد.**

پزشکیان‌ن‌باشد، جلیلی قطعاً است.

**«آقای قالیباف ظاهراً حامیان بیشتری در نهادهای قدرت دارد. او آدمی است که بالاخره مدعی است می‌تواند یکسری کارهایی را انجام دهد. از نظر بعضی او به دلیل ارتباطهایی که با نهادهای قدرتمند دارد، ممکن است راحت‌تر بتواند کار کند.**

اصلاً این نوع تحلیل خیلی جواب نمی‌دهد. اینطور نیست که مکانیکی به موضوع نگاه کنیم. من که نمی‌توانم در برابر واقعیت سیاسی بیرون بی تفاوت باشم. شما می‌گویید اینها ممکن است این را نفهمند. من از روز اولی که آقای پزشکیان آمد، به خیلی از مراکز قدرت که جدی و تصمیم‌گیر هستند، صریحاً گفته‌ام که پزشکیان همین است و باید با همین کار کنید و رویکردهایش پذیرفته شود و کسی درباره این موضوع ابهام ندارد. هم‌مشان هم آمادگی این را دارند و می‌گویند مافقط مسئولان این است که مشارکت وجود داشته باشد. شاید سوال این باشد که اینها می‌خواهند رأی را بگیرند و بعد کار خودشان را کنند؟ من فکر نمی‌کنم اینطور باشد. چرا؟ چون سیستم سیاسی ایران اینقدر این را می‌فهمد که در سال ۹۶ با ۷۳ درصد آرا، طرف آمد و هنگامی که از مضمون انتخابات عدول کردند بلافاصله پس از هفت ماه اعتراضات ۹۶ رخ داد و همه چیز روی هوارفت. پس این را می‌فهمد که باید به این رویکردها احترام بگذارد و این را بپذیرد. بنابراین ما اساساً نمی‌توانیم اینطور فکر کنیم که بگوییم حکومت را دست آقای قالیباف بدهیم بلکه درست کند. اگر انتخابات باشد آقای قالیباف را سکه یک پول می‌کنند. همین الان نگاه کنید، بخواهند به او حمله کنند بساطش روی هوا می‌رود و نمی‌تواند جلوی اینها قرار بگیرد. پس جلیلی قطعاً است.

اگر آقای قالیباف یا هر کس دیگری، این مجوز را داشته باشد که بگوید من می‌خواهم این کار را کنم. اگر آن تصمیم پیشین گرفته شده بود و می‌توانست روی این پوزیشن وارد شود، رأی بالایی هم می‌آورد و لازم نبود آقای پزشکیان باشد.

چنین چیزی نیست. آقای قالیباف آخرین لحظات رفت ثبات‌نم کرد. دلشش چه بود؟ دنبال گرفتن اجازه‌ای بود که هیچ‌وقت حاضر نشدند به او بدهند. چنین اجازه‌ای به‌صورت اداری به کسی نمی‌دهند.

**«پس چرا آقای جلیلی این وسط تأیید شد؟ شما می‌گویید سیستم خودش را برای یک تغییر آماده کرده است اما آمده و آقای پزشکیانی را از میان تعداد زیادی داوطلب**

تأیید صلاحیت کرده که احتمال دارد رأی هم نیاورد. شما می‌گویید اگر دکتر پزشکیان رأی نیاورد، جلیلی حتما رأی می‌آورد. پس باید نوعی آمادگی برای جلیلی هم شده باشد. اگر این باشد پس فعلاً خبری از برنامهٔ تغییر ریل نیست. این چنینش فعلی کاندیداهای خیلی هاسرسام آور شده است!
سیاست را که مثل یک شطرنج تحلیل نمی‌کنند. ما و هیچ‌کس اصلاً برای این سوال‌ها پاسخی نداریم. تمام این پاسخ‌هایی که داده می‌شود از روی ظن و گمان است. من فکر می‌کنم این چنین به‌نفع پزشکیان طراحی شده است وگرنه شما می‌توانستید یک آذری‌زبان و محمد شریعتمداری و نیکزاد را بگذارید کنار پزشکیان. آن دو نفر دیگر را هم گذاشتند که از ضرب و زور ماجرا گرفته شود و اینطور نیست که بتوانند آقای جلیلی را حذف کنند و یا دستور دهند از اول نباشد. رهبری که نمی‌تواند اینطور عمل کند. اگر اینطور عمل کند که کل نیروهایشان پراکنده می‌شوند. یک مقدار هم برای بازی خودشان گذاشته شده است.

**«اعضای دولت کنونی عموماً رد شدند. آدم‌های با سابقه‌تری بودند که رد شدند و در عوض چرا کسی مثل آقای زاکنی تأیید شده است؟**

اینها سوال است و قرار نیست که ما برای همه اینها جواب قطعی داشته‌باشیم.

**«اتفاقاً چون ما یک مجهول داریم و مجهول این است که آیا اراده‌ای برای تلطیف فضا شکل گرفته است یا خیر مجبوریم برای این پرسش‌ها پاسخی دست و پا کنیم.**

من بر حسب قرآنی که خودم می‌بینم این را می‌گویم.

**«یکبار قرآن شفاف است و یکبار تحلیلی است. تحلیل را فعلاً از هر دو سوسو می‌توان انجام داد. ولی در عوض قرآن روشن‌تری برای تحلیل شما نمی‌بینم. یک تحلیل داریم که ممکن است اینطور باشد. وقتی که به این نقطه رسیدیم، همه اینها معنا پیدا می‌کند که چرا آقای پزشکیان باید تأیید صلاحیت شود و با آقای جلیلی را بالاخره به هزار دلیل می‌توانستند طوری رفتار کنند که خطر پیروزی اش وجود نداشته باشد. در حالی که به نظر می‌آید هیچ کدام از اینها نیست. برای من سوالاتی مطرح شد چون بعضی‌ها فکر می‌کنند که آقای عبدی تنها براساس تحلیل آن دیدگاه‌آپیدا نکرده و براساس یک قرآن مبتنی بر خبرهایی از پشت پرده این حرف را می‌زند. آیا این درست است؟**

اگر دقت کرده باشید، همان زمان که آقای پزشکیان نامش اعلام شد، حمایت خود را اعلام کرد و اصرار داشتیم که قبل از دیگران موضع خود را اعلام کنم؛ دیگرانی که به‌طور سنتی در انتخابات بودند و اگر می‌آمدند و اعلام می‌کردند که شرکت می‌کنیم و این اعلام مطابق همان سنت مشارکتی آنها می‌شد. به همین دلیل سعی کردم زودتر این کار را بکنم و آن را توضیح بدهم و این موضع در چارچوب تحلیلیم است. من در پایان ۱۴۰۱ تحلیل کردم که معتقدم سال ۱۴۰۳ آخرین فرصت برای تغییر رویکرد موجود باشد البته اگر بالگرد آقای رئیسی سقوط نمی‌کرد این مسئله به ۱۴۰۴ منتقل می‌شد. به عبارتی این تغییر رویکرد در انتخابات ۱۴۰۴ امکان رقم زدن داشت. البته اعتقاد دارم درگیری‌ای که با اسرائیل اتفاق افتاد بسیار مؤثر بود و ایران را در یک چارچوب معنادار دیگری در سیاست خارجی قرار داد و گفت‌وگوهایی که طی این مدت با ایالات متحده آمریکا انجام گرفت که به دلایلی موقتی مسکوت مانده است، این اتفاقات در حوزه خار جی بوده است. در حوزه داخلی هم به نظر می‌رسد که مطلقاً ساختار سیاسی از عملکرد کنونی به معنای واقعی نه آنچه تبلیغاتی گفته می‌شود، راضی نبوده است زیرا هیچ‌کدام از بحران‌ها حل نشده‌است. سیستم سیاسی دوست ندارد که ایران با چنین وضعیتی وارد فاز تغییر یا انتقال رهبری شود. به محض اینکه سیاهه اسمی نامزدها را دیدم آن را تأیید و شاهد ادعا و تحلیلیم بود(البته شواهد غیراعلامی آن هم برابم مهم است) به نظرم آمد با یک فرآیند عادی روبه‌رو نیستیم.

**«به هر حال این بحث را ادامه ندهیم. برای من همچنان سوال است که چرا آقای پزشکیان؟ آن هم در چنین زمین سختی که بحث‌های اقتناع‌سازی با ریش‌سفیدی امکان‌پذیر نیست و منافع خیلی عجیب و متعارضی شکل گرفته که وضعیت را برای یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب فوق‌العاده دشوار می‌کند. طبق تحلیل شما باید گزینه دیگری را تأیید می‌کردند و چنین دیگری به ناپدیداهسا می‌دادند حالا فارغ از این بحث‌ها پیش‌بینی شما از وضعیت کاندیداها چیست؟**

من در ابتدا پیش‌بینی‌ای را مطرح کردم که برخی فکر می‌کردند گفتاری سیاسی است اما اصلاً سیاسی نیست، من حس خودم را براساس درکم از مطالعات و تحلیل اجتماعی گفتم. من معتقد بودم که اگر مشارکت به ۵۵ برسد، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود و اگر مشارکت به ۶۰ درصد برسد پزشکیان قطعاً رأی می‌آورد. الان هم کماکان همین فکر را دارم و به قول معروف حتی چر برتر. بین ۵۰ تا ۵۵ درصد هم پزشکیان به دور دوم می‌رود و به احتمال قوی اول می‌شود.

**«یعنی با همین شرایط هم به نظر شما آقای پزشکیان به دور دوم می‌رود؟**
بله و نفر اول هم می‌شود.

دوشنبه ۴ تیر ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۵۳۷
www.hammihanonline.ir

**«با فرض مشارکت زیر ۵۰ درصد چه؟**
توجه کنید که با فرض ۵۰ درصد سخن گفته‌ام. اما این آراً فعلاً شکل نگرفته و مسئله پیچیده‌ای است. پیچیدگی‌اش را در مقایسه‌ای با انتخابات ایالات متحده آمریکا بیان می‌کنم. اگر الان در انتخابات ایالات متحده نظرسنجی انجام گیرد، تقریباً مشخص است که مثلاً ۷۰ درصد مردم شرکت می‌کنند و در روز انتخابات فقط درصدی اندک جابه‌جا می‌شوند. از این ۷۰ درصد از همان ابتدا ۹۰ درصدشان می‌دانند به چه کسی می‌خواهند رأی بدهند، مثلاً جمعی می‌گویند به ترامپ و جمعی هم به بایدن. ۱۰ درصد باقی می‌ماند که تصمیم ن‌دارند و بر همین اساس روی این ۱۰ درصد برنامه‌ریزی می‌کنند اما در ایران اینگونه نیست. در ایران از هر ۱۰۰ نفری که وا‌جدا رأی دادن هستند، چیزی حدود ۵۰ نفر گفتند ما شرکت می‌کنیم از این ۵۰ نفر چیزی حدود ۳۰ نفر گفته‌اند به چه کسی رأی می‌دهند و هنوز ۲۰ نفر مشخص نیست به چه کسی رأی می‌دهند. در این ۳۰ نفر حدود ۱۲،۱۰ نفر هم می‌گویند فعلاً نظر مان رأی به فلان شخصی است اما معلوم نیست حتماً به او رأی دهیم. حالا این را بگذارید کنار امکان کناره‌گیری برخی از آنها که وضعیت نامتعینی را نشان می‌دهد. رأی نامزدها هم خیلی به هم نزدیک است، گاهی یک نفر ۶۰ درصد و دیگری ۲۰ درصد دارد؛ که براساس آن وضعیت مشخص است اما الان هر سه کاندیدای موجود به هم نزدیک هستند. البته یک عنصر قطعی است که تا ۱۳ روز گذشته(اطلاعات ۳ روز اخیر را ندارم) روند اینگونه بوده است که تمایل به انتخاب آقای پزشکیان رشد داشته و بالا می‌رود، آقای قالیباف افت پیدا کرده و آقای جلیلی هم تمایل به انقباض تغییر ی نکرده است. اگر همین روند ادامه پیدا کند، به‌طور قطع و یقین آقای پزشکیان در دور اول انتخابات، اول می‌شود و آقای جلیلی به احتمال زیاد دوم می‌شود.

**«حالا فرض کنید کمپین آقای پزشکیان موفق نشود، شانس آن دو نفر دیگر یعنی آقای جلیلی و قالیباف را چگونه می‌دانید. آقای جلیلی موفق خواهد بود؟**

بله، آقای قالیباف را می‌زنند. البته من به فرض سوال شما فکر نمی‌کنم زیرا موضوع ذهن من نیست. موضوع ذهن من این است که آقای پزشکیان بالا می‌رود.

**«حالا اگر فکر کنید آقای جلیلی بیاید. این نقض غرض کل آن پیش‌بینی شما و آنچه سیستم طراحی کرده است، نیست؟ چون در چنین شرایطی بحران ایجاد می‌کند.**

کاملاً درست می‌گویید. اینجا نکته مورد مهم از توافق من و شما است، من هم به همین دلیل آمدم که این اتفاق نیفتد و حالا که آمدم، اگر موفق نشوم و تحلیل اشتباه باشد و مردم حاضر نشوند که بیایند و کار را انجام دهند، چه نتیجه‌ای باید گرفت؟ تحلیل من اشتباه بوده و چیزی از دست رفته است. اما من فقط به یک گزینه فکر می‌کنم که کاش اجازه ندهیم که چنین اتفاقی بیفتد.

**«حالا فرض کنید که آقای پزشکیان رأی آورد و به آن جایگاه رسید اما شاهد همکاری با او نباشیم. کسی که می‌رود آنجا می‌دانیم که راه بازگشتی ندارد و مثلاً نمی‌تواند بگوید استعفا می‌دهد.**

درباره آقای پزشکیان چنین تصویری ندارم. آقای پزشکیان به هر حال حریت‌های خاصی خودش را دارد. من قصد تحلیل فردی ندارم اما شما این را می‌دانید که سیستم سیاسی کشور آن قدرت سابق را ندارد و موازنه قوا علیه سیستم است و دیگر حد بالای تنش را نمی‌تواند بپذیرد. پس این‌روند به نحوه عملکرد آقای پزشکیان باز می‌گردد و بر همین اساس به نظر من باید اولین کارش این باشد که حدی از تفاهم و آرامش را ایجاد کند. باید تعامل و تفاهمی با مجلس، آقای قالیباف و جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا و حتی فراتر داشته باشد؛ البته امثال زاکنی را باید سر جایش بنشانند که این خصوصیات ضدوحدت در رفتار ایشان هست. کار بسیار دشواری است و باید گفت که پیروزی در انتخابات ۵ درصد کاهش هم نیست و این را ما می‌فهمیم. واقعیت این است که تصور می‌کنم رهبری اجازه ندهد تندروها در کاسه پزشکیان بگذارند وگرنه اگر چنین شود، همه بدبخت می‌شوند. آقای زیدآبادی! واقعیت این است که ما هیچ گارانتی‌ای در سیاست نداریم و فقط کالیفست که صادقانه، صمیمانه و بدون نگاه به منافع‌مان فکر کنیم. من به آقای پزشکیان هم گفتم، خیالت راحت من تا جمعه اینجا هستیم و از شنبه دیگر نمی‌آیم، مگر اینکه انتخابات به دور دوم کشیده شود و یک هفته کارمان ادامه یابد. واقعیت این است که الان جامعه ما مثل ۷۶ نیست نه مردم و نه آن‌هایی که به ستاد آمده‌اند و نه مخالفان. مثلاً آنجا مخالف آقای ناطق نوری بود و الان آقای زاکنی است؛ واقعاً تا ساف می‌خوریم وقتی می‌بینیم او برای چنین کاری تأیید صلاحیت شده است. این پیچیدگی‌ها وجود دارد و ما باید خودمان را در جریان رودخانه سیاست قرار دهیم تا ببینیم آقای پزشکیان به کجا می‌رسد. می‌دانم که شما تجربه ۱۴۰۱ را دارید و خیلی‌ها فحش می‌دهند شاید شما ناراحت شوید اما من وجدان خودم و صادق بودن برابم مهم است.

**«من الان در جایگاه تحلیلگر و ناظر هستم و فعالیتی در این ماجرا ندارم. مثلاً فقط گفته‌ام که آقای پورمحمدی به نظر می‌آید، مشکلات را بهتر از سایر رقیبا شناخته است و سر همین بیش از شما فحش خورده‌ام. من نگفته‌ام که به کسی رأی دهید. فقط وضعیت را و صف کرده‌ام اما همین را هم بر نمی‌تانبد.**

من به آنها که رأی نمی‌دهند کاملاً احترام می‌گذارم و مفضل هم گفته‌ام. دلیلش هم این است که من برای رأی دادنم باید برای آنها دلیل بیآورم؛ چون به صورت پیش‌فرض من هم رأی نمی‌دام. جالب این است که من حتی به همسر و بچه‌ام هم نمی‌گویم بیاید و رأی بدهد. خودش باید تصمیم بگیرد فقط ما باید صادقانه عمل کنیم؛ دلیل و منطق بیایم و در نهایت هر چه پیش بیاید باید بپذیریم.

### موضع احزاب

## آرمین: شرایط مثل ۴ سال پیش نیست

**گروه سیاست:** نشست خبری حزب «توسعه‌ملی» با حضور محسن آرمین، فیض‌الله عرب‌سرخی، صادق نوروزی و حجت اسماعیلی با محوریت «اصلاح‌طلبان، انتخابات و مسعود پزشکیان» روز گذشته برگزار شد. در این جلسه تلاش شد در پاسخ به سوالات مطرح‌شده به فعالیت اصلاح‌طلبان در دولت اصلاحات و رویکرد مسعود پزشکیان در راستای اصلاح امور کشور اشاره شود. چنانچه صادق نوروزی، دبیرکل در بخش ابتدایی جلسه به ادامه راه دولت اصلاحات در دولت پزشکیان در صورت پیروزی اشاره کرد و بر این تأکید داشت که «اگر سیاست‌های دولت خاتمی مثلاً در خصوص بنزین ادامه پیدا می‌کرد» وضعیت به این سمت نمی‌رفت یا فیض‌الله عرب‌سرخی، دیگر عضو شورای مرکزی این حزب با اشاره به اینکه «بخش قابل توجهی از مشکلات امروز مربوط به مدیریت ضعیف و ناتوان کارگزاران فعلی است و ادامه روند کنونی، باعث افزایش مشکلات اقتصادی خواهد شد»، تصریح کرد: «راه خروج از این وضعیت، باز کردن ورودی‌های اقتصاد کشور است» که این را در برنامه‌های مدنظر پزشکیان می‌توان دید و البته حجت اسماعیلی، دیگر عضو این حزب با بیان اینکه «پزشکیان نماد تغییر وضع موجود است»، گفت: «این انتخابات آخرین فرصت برای بقای کشور است.» در این میان محسن آرمین، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز در پاسخ به سوال خبرنگار هم‌میهن درباره اینکه «بخشی از مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند، چون معتقدند تجربه دولت روحانی به آنها نشان داده که دولت‌هائمی‌توانند مطالبات آنها را بپذیری کنند و عملاً کاره‌ای ن‌بینند، اصلاح‌طلبان و پزشکیان در بر خورد با این نگاه چه برنامه‌ای دارند؟» گفت: «عرصه سیاست، عرصه موازنه قواست و اگر نگاه واقع‌بینانه‌ای به عرصه سیاست داشته باشیم، هیچ اقدام و توفیقی بدون تحقق موازنه قوا شکل نمی‌گیرد. بخشی از آن واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور که بر موازنه قوا تأثیری می‌گذارد و بخشی از آن هم به ابتکارات و تحرکاتی باز می‌گردد که نیروهای سیاسی دارند. اگر ما بخوایم بررسی درستی داشته باشیم در موضوع سوال شما باید توجه داشته باشیم که کشور دارای شرایط ثابتی نیست.» وی در ادامه افزود: «وضعیت امروز کشور با وضعیت سه چهار سال پیش قابل مقایسه نیست. ما انتخاباتی را گذرانیدیم با مشارکت ۸ درصد در تهران که اگر آرای باطله را کنار بگذاریم برابر با ۵ درصد است و این یعنی بحران مشارکت و بحران مشارکت یعنی بحران مشروعیت آن هم در شرایطی که ما با وضعیت حساسی در سطح بین‌الملل روبه‌رو هستیم. یعنی قطعنامه‌ای که ازانس صادر کرده است و چندماه هم مهلت داده که اگر وضعیت ادامه یابد مجدداً وضعیت به سازمان ملل پیش از برجام باز می‌گردد. این شرایطی که الان داریم با شرایط ۴ سال پیش کاملاً متفاوت است و طبیعی است که این شرایط در رویکرد مسئولان اثر می‌گذارد و طبیعی است که ما بتوانیم از این شرایط استفاده کنیم و تلاش کنیم دیدگاه دیگری را به میان آوریم و حاکمیت را به آن سمت سوق دهیم که رویکردش را نسبت به مسائل تغییر دهد.» وی همچنین تصریح کرد: «اگر ما همچنان نسبت به انتخابات و فرصت‌هایی‌مانند انتخابات بی تفاوت باشیم، این بی‌عملی چه تأثیری خواهد داشت؟ به جز این است که وضعیت را وخیم‌تر کند و ادامه این روند زندگی فلاکت‌بار را برای جامعه ما شدت می‌بخشد و کمر جامعه را زیر بار سختی معیشت خرد کند، مگر نتیجه دیگری هم دارد؟» آرمین در پایان گفت: «این خط ناامیدی از رأی دادن و بی تأثیر بودن رأی از طرف سه مرجع و منبع ترویج می‌شود ۱- جریان براندازی؛ که فکر می‌کند هر چه جامعه‌ناامیدتر از تعیین سرنوشته‌اش باشد، نهایتاً شرایط به سمت دگرگونی و براندازی می‌رود که راهکار خوشونت‌آمیز را در نظر دارند اما آنها که دل در گرو این مملکت دارند این راهبرد را نمی‌توانند بپذیرند و تجربه‌ها در سطح منطبق هم نشان داده که این راهبرد مناسب برای کشور ما نخواهد بود. به قول گاندی: «منطق چشم‌در برابر چشم کور شدن همگان است.» ۲- کاسبان تحریم؛ که وضعیت فعلی بهشت کاسبان تحریم است. تحریم‌های فعلی و خودتخریمی سودهای کلانی را به جیب یک عده می‌فرستد و هر چه مردم منفع‌تر عمل کنند به نفع اینهاست. ۳- استبدادخواهان؛ کسانی که می‌خواهند در غیاب مردم حکومت کنند و تصمیم بگیرند. من همین جا اعلام می‌کنم که صدواوسیمای ما همین خطر ا دنبال می‌کند. بله در ظاهر در حال تبلیغات برای انتخابات است اما اگر توجه کنید تبلیغاتش در راستای به پای صندوق رأی کشاندن مرده‌ها نیست و برعکس مرده‌ها را مصمم می‌کند که در انتخابات شرکت نکنند و فقط یک جمعیت محدود بنا بر نگاه ایدئولوژیک یا تکلیف شرعی در انتخابات شرکت می‌کنند و نتیجه انتخابات هم کاملاً تضمین‌شده به نفع یک حاکم است. به عبارتی تبلیغات‌شان در آن سمت است که خشم و ناراحتی و عصبانیت را در آن بخش نگران و مررد تقویت می‌کند. اگر مشارکت از حدی بالاتر برود وضعیت موجود تغییر می‌کند؛ ما نباید به این دام بیفتیم.»